

سند ارائه شده از سوی کمیسیون به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ژرفش جنبش مدنی

جنبش مدنی در کشور ما از قدمت صد ساله برخوردار است. آماج اصلی این جنبش استقرار مردم سالاری، جمهوری دموکراتیک و لائیک و نفی هر گونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد در کشور ما است. جنبش مدنی که از دوم خرداد سال ۷۶ به این سو در شکل جنبش اصلاح طلبانه برآمد کرده است، طی این سال ها تعمیق یافته، در جامعه ریشه دوانده و به دستاوردهای ارزنده ای نایل آمده است. ما از جایگاه جنبش مدنی و از موضع تقویت آن حرکت می کنیم.

جنبش اصلاحات و دستاوردهای آن

جنبش اصلاح طلبانه به مثابه ظرف کنونی جنبش مدنی، برخاسته از نیاز جامعه ما به تحول بنیادی و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است، و جنبشی است که ریشه در مطالبات اقشار مدرن جامعه برای تحولات اساسی در کشور دارد. سمت و سوی این جنبش دموکراتیزه کردن ساختار قدرت و ایجاد نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروه های مختلف اجتماعی است. خصلت این جنبش مسالمت آمیز و گفتمان آن اصلاح طلبانه و قانون گرایانه است. اکثریت مردم کشور ما نیروی اجتماعی این جنبش هستند، در این جنبش نقش روشنفکران، روزنامه نگاران، جوانان، دانشجویان و زنان چشمگیر و بارز است. جنبش اصلاح طلبانه با آن که در سال های اخیر دستاوردهای قابل توجهی داشته ولی هنوز به اهداف اساسی خود دست نیافته است، تقویت گرایش به مردم سالاری ارتقای آگاهی مردم به حقوق شهروندی خود و پی بردن آن ها به ارزش و جایگاه رای خود از دستاوردهای جنبش اصلاح طلبانه اند.

مروری کوتاه بر روند اصلاحات

از دوم خرداد به این سو، اصلاح طلبی قویترین و گسترده ترین گرایش سیاسی اجتماعی در کشور ما است. نتایج انتخابات ۸۰ نیز نشان داد که این جنبش همچنان از پایگاه وسیعی برخوردار است. جنبش اصلاح طلبی طیف بسیار وسیعی از نیروهای سیاسی اجتماعی را دربرمی گیرد که بخشی از آن اصلاح طلبان حکومتیند. بخش عظیمی از نیروهای اصلاح طلب خارج از حکومت قرار دارند که علیرغم سرکوب حکومتی، در شکل گیری و قدرت مندی جنبش از اهمیت حیاتی برخوردارند. تحولات سیاسی در کشور همچنان و عمدتاً تحت تاثیر چالش بین اصلاح طلبان و تمامیت خواهان درون حکومت قرار دارد. محافظه کاران پس از دوم خرداد و یک دوره سرگردانی به انسجام خود پرداخته و با استفاده از اهرم فشار بخش افراطی، با تکیه بر قوانین غیردموکراتیک با قانون شکنی آشکار و یا با استفاده ابزاری از قوانین بر فشارهای خود بر اصلاح طلبان افزوده اند.

محافظه کاران مصمم هستند با سرکوب گرایش رادیکال اصلاح طلبان، خنثی کردن گرایش معتدل و جذب گرایش محافظه کار آن، وضعیت را به حالت قبل از ۲ خرداد ۷۶ بازگردانند، و در بهترین حالت خود "اصلاحات فقاهتی" بدون توسعه سیاسی را عرضه دارند. از سوی دیگر اصلاح طلبان حکومتی با در پیش گرفتن استراتژی آرامش فعال با نادیده گرفتن عامل فشار از پایین، با کم توجهی به امر تشکیل و تقویت نهادهای دموکراتیک بهای لازم را ندادند، لذا چالش با محافظه کاران، اساساً در محدوده تنگ ساختار

سیاسی ، جایی که تمامیت خواهان با اتکا به امکانات خود قدرت مانور بیشتری داشتند، باقی مانده است.

واقعیت اما آن است که سرنوشت اصلاحات اساسا در میان مردم رقم می خورد. کانون و تکیه گاه اصلی جنبش اصلاحات حمایت مردمی مبتنی بر نهادهای مدنی ، روزنامه نگاران ، دانشجویان و احزاب و سازمان های سیاسی است.

اکنون چالش بین جنبش مردم سالاری و جمهوریت با ساختار مبتنی بر ولایت فقیه هر چه عمیق تر شده است. همه شواهد و ارزیابی ها حاکی از آن است که حاکمیت روحانیت آینده ای ندارد. اصلاحات می تواند و باید از همه ظرفیت های خود برای تامین حاکمیت مردم بهره گیرد.

روندهای بین المللی و کشور ما

رویداد ۱۱ سپتامبر و طرح مبارزه با تروریسم فضای جدیدی را در سطح جهانی بوجود آورد که می توان به تضعیف موقعیت بنیادگرایان در منطقه و ایران منجر گردد. با این همه این امکان مثبت از سوی مشی برتری طلبانه و ماجراجویانه هیات حاکمه آمریکا تهیه می شود.

سیاست های جنگ طلبانه جرج بوش و قرار دادن ایران همراه با عراق و کره شمالی به عنوان محور اهریمنی وضعیت خطرناکی را برای کشور ما بوجود آورده است. تداوم دشمنی کور با آمریکا، مخالفت با حل صلح آمیز مساله فلسطین ، حمایت از برخی گروه های اسلامی و برخی حرکات تحریک آمیز در افغانستان ، موضع گیری های غیرمسئولانه ، خصومت بین دو کشور را تشدید و فضای بحرانی بین آنها بوجود آورده است.

جناح محافظه کار با اتخاذ سیاست تشنج زا بین دو کشور می کوشد بر اصلاحات نقطه پایان گذارد. این سیاست منافع ملی ما را با خطرات جدی مواجه ساخته است.

خروج از تنگنا، پیشبرد اصلاحات

* راه پیشروی اصلاحات تغییر توازن قوای موجود به سود اصلاح طلبان و به زیان تمامیت خواهان ، تاکید بر دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی کشور است. تحقق این امر در درجه اول محتاج تدوین استراتژی اصلاحات و مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت گرایان از طریق اطلاع رسانی و برقراری پیوندهای محکمتر با مردم و تکیه بر سازمان دهی و بسیج اجتماعی است. ضرورت دارد که راه های مختلف مشارکت مردم ، فراخوان آن ها برای اعمال اراده و خنثی نمودن خشونت طلبی جستجو شود. از آن میان فراندوم یکی از این شیوه هاست.

* اخیرا بخشی از اصلاح طلبان استراتژی بازدارندگی فعال را مطرح نموده اند که هنوز جوانب و های کاربردی آن با استراتژی آرامش فعال دقیقا روشن نیست ولی نیاز جامعه حکم می کند که تفاوت اصلاح طلبان حکومتی با جمع بندی تجارب گذشته در عرصه مسایل نظری و عملی و نایل آمدن به آن که برای پیشبرد اصلاحات تغییرات عمیق دموکراتیک در ساختار سیاسی کشور ضروری است ، راه کارهای موثر ارائه نمایند.

* عدم قاطعیت و ایستادگی مجلس و رئیس جمهور خاتمی در وضع حاضر موجب آسیب پذیری و ضربات جدی به اصلاحات است.

سیاست های ما

* مسئله مرکزی در رابطه با جنبش اصلاح طلبانه در این مرحله عبارت است از بسیج همه امکانات برای تقویت هر چه بیشتر اعمال اراده مردم و نهادهای انتخابی و هر چه کم اثرتر نمودن نقش نهادهای غیر انتخابی. تحقق این امر یعنی تعمیق جنبش اصلاحات به میزان موفقیت آن در گرو تامین و افزایش سطح همکاری سیاسی بین اصلاح طلبان پیگیر درون و پیرامون حکومت با نیروهای ملی مذهبی و نیروهای اصلاح طلب سکولار خواهد بود.

* سیاست سازمان ما تقویت جبهه اصلاحات و سهم گیری در شکل گیری و تحکیم نهادهای مدنی به منظور حضور متشکل و سازمان یافته مردم در تقویت اصلاحات و کسب مطالعات برحق و دموکراتیک آن ها است.

* گسترش تماس و همکاری بین اصلاح طلبان خارج از حکومت تقویت کننده اصلاحات پیگیر و قاطع است. تقویت این نیرو موجب تداوم و تعمیق جنبش اصلاحات است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق این امر می کوشد.

* باند ثروت و قدرت و همه نهادهای زیر پوشش ولی فقیه مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشا برنامه و سیاست های ضداصلاحات آن هاست.

* ما قاطعانه از موازین دموکراتیک ، حقوق سیاسی و اجتماعی و فردی شهروندان ، بازگشت بدون مانع ایرانیان خارج کشور و حق همگان برای بیان مطالبات خود و مبارزه در راه کسب آن ها دفاع می کنیم. مطبوعات آزاد و مستقل ، روزنامه نگاران آزادی خواه ، آزادی گروه های دانشجویی، استقلال تشکل های آن ها، جنبش های کارگری و تشکل های مستقل آن ها ضامن پیشبرد دموکراسی پایدار در کشور ماست. تامین حق فعالیت آزاد و قانونی احزاب سیاسی در کشور ما (که از فقدان سنت های دموکراسی حزبی در تاری معاصر رنج می برد) اهمیت کلیدی در این روند دارد.

* دفاع از حقوق زنان ایرانی و در قدم نخستین حذف قوانین زن ستیز و به رسمیت شناختن تشکل های مستقل زنان ، پاس به نیاز نیمی از جمعیت کشور است.

* تامین خواست های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اداری اقلیت های مذهبی نیاز مبرم برای تامین مشارکت تمامی مردم ایران در راه بازسازی دموکراتیک میهن است.

* سیاست های فوق را در راستای طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه قدرت گیری نهادهای انتخابی و سرانجام تغییر قانون اساسی است.

راه کارهای جنبش اصلاح طلبانه

راه برون رفت اصلاحات از شرایط رکود کنونی از یک سو مستلزم بازنگری در قانون اساسی و تغییر قوانینی است که در مقابل اعمال اراده مردم و در مسیر تکامل جامعه مدنی موانع جدی ایجاد نموده اند و از سوی دیگر برطرف کردن موانع از راه اجرای آن دسته از مواد قانون اساسی است که به آزادی ، پیشرفت و عدالت اجتماعی در جامعه یاری می رساند، و از آن جمله و در این مرحله:

الف) در عرصه حقوقی

- ۱ - انحلال نهادهای گزینشی (مثل دادگاه ویژه روحانیت ، دادگاه های انقلاب...)
- ۲ - تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور ضروری است.
- ۳ - استفاده ابزاری جناح سیاسی معینی از قوه قضائیه برای پیشبرد مقاصد تنگنظرانه باید پایان یابد و مکانیسم های کنترل و نظارت مردم بر این نهاد، باید تعبیه گردد.
- ۴ - لغو قوانین ناق حقوق بشر.

ب) در عرصه اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی

- ۱ - بایستی از مطبوعات رفع توقیف و سانسور شود، آزادی بیان ، قلم و مطبوعات ، حق تشکیل اجتماعات ، تظاهرات و تشکيل کانون های صنفی تضمین گردد.
- ۲ - حق داشتن وکیل مدافع و هیات منصفه تامین گردد.
- ۳ - حق فعالیت احزاب سیاسی و تامین شعار ایران برای همه ایرانیان قاطعانه پیگیری شود.
- ۴ - جوانان ایرانی باید بتوانند تشکل های مدافع خود را در مدارس ، دانشگاه ها ایجاد و نیز در گروه های ورزشی آزادانه فعالیت نمایند. نیروهای فشار نباید با ارباب و زور، احساسات جوانان را سرکوب نمایند.

ج) در عرصه بین المللی

- ۱ - برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپایی و مذاکره مستقیم برای عادی سازی مناسبات برابرحقوق با ایالات متحده آمریکا.
- ۲ - محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریان های افراطی بنیادگرا.
- ۳ - دفاع از دولت فلسطین ، عدم مخالفت با موجودیت کشور اسرائیل

۴ - حمایت از دولت فراگیر در افغانستان ، تحت نظارت سازمان ملل متحد.

(د)مسائل اقتصادی:

۱ - موانع سیاسی و حقوقی که امنیت سرمایه گذاری داخلی و خارجی را در کشور مختل می کند باید از میان برداشته شوند. همان گونه که گسترش سرمایه گذاری کلید رشد اقتصاد بیمار ایران است. تامین امنیت کار لازمه استحکام بخشیدن به امنیت اجتماعی است.

۲ - بنیاد مستضعفان و دیگر بنیادهای مشابه باید زیر نظارت کامل دولت و مجلس درآیند. این موسسات باید نظیر سایر بنگاه های اقتصادی شامل قوانین مالیاتی کشور باشند.

۳ - نهادهای اداری موازی باید در هم ادغام شوند. نهادهای زاید و هزینه ساز باید منحل گردند.

۴ - رشوه خواری و رانت خواری اقتصادی و سپس تامین زندگی در سطح قابل قبول برای مامورین ادارات کشور است. مبارزه با فساد تنها در شرایط آزادی مطبوعات و مبادله آزاد امکان پذیر خواهد بود.

۵ - تامین امنیت سرمایه گذاری ، سرمایه گذاری درازمدت را تشویق می کند و سرمایه ها را از بخش دلالی و بازرگانی و سرمایه های سرگردان را به بخش تولیدی ، صنعت و ساختمان هدایت خواهد کرد.

۶ - سرمایه گذاری در امر پژوهش های اقتصادی و تکنولوژیک به منظور تامین اقتصاد مستقل و شکوفان در ایران.

۷ - سرمایه گذاری گسترده دولتی و حمایت از بخش خصوصی برای تولید اشتغال و مهار بیکاری.

۸ - جلب مشارکت ایرانیان علاقمند و تحصیل کرده و صاحب سرمایه در خارج از کشور به ارتباط و سرمایه گذاری در ایران.

۹ - اهرم های مالیاتی ، در خدمت تقسیم ثروت ملی مورد استفاده قرار گیرند. بودجه گذاری و سوبسید برای کالاهای اساسی مورد نیاز اقشار کم درآمد کشور در راستای افزایش قدرت خرید این اقشار بهره گیری شود.

۱۰ - بیمه های اجتماعی ، بیمه های بهداشت و درمان و صندوق های بازنشستگی که همه افراد جامعه را در برمی گیرد باید از سوی دولت در راستای تامین زندگی بی دغدغه و به دور از فقر شهروندان ایرانی تامین شود.

۱۱ - سرمایه گذاری در بخش های زیربنایی و بهداشت درمان و آموزش

۱۲ - دستمزد کارگران ، کارمندان دولت و بازنشستگان باید به نسبت میزان تورم سالانه افزایش یابد.

۱۳ - کمک های اقتصادی به گروه های افراطی در خارج ایران باید بلادرنگ قطع شوند.